

عدالت مبنای پایداری و استمرار صلح است



سی و پنجمین
کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی

www.iuc.taqrib.ir
www.taqrib.ir

جناب آقای دکتر حسین کنعانی مقدم
ایران / تهران

«حسین کنعانی مقدم» کارشناس ارشد امور خاورمیانه تاکید کرد: صلح جهانی هنگامی محقق خواهد شد که میان اقوام و ملل مختلف، بر اساس حقوق ملل و حقوق ادیان یک ارتباط سیستماتیک، ارگانیک و منطقی ایجاد شود.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، «حسین کنعانی مقدم» کارشناس ارشد امور خاورمیانه، با حضور در سی و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی به بررسی ماهیت صلح و عدالت در مبانی حقوق بین الملل و اسلام پرداخت.

وی در این باره توضیح داد: ماهیت اسلام با عدالت و صلح گره خورده است و برخلاف تبلیغاتی که در جهان معاصر علیه اسلام صورت می گیرد و آن را خشونت طلب و جنگ طلب معرفی می کنند، ریشه اسلام «سلام» و «صلح» است.

کنعانی مقدم، با اشاره به وجود آیات متعددی در رابطه با صلح مبتنی بر عدالت در قرآن کریم از جمله آیه 25 سوره حدید که می فرماید، "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا

مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ " «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و به آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم را قیام به عدالت کنند» تصریح کرد: . چیزی که اکنون در مناسبات بین الملل مطرح است مبنی بر معرفی «صلح» به معنی «ترک مخاصمه» است.

وی افزود: اگر این مفهوم در مثلث «صلح»، «عدالت» و «توسعه» - که مورد نظر اندیشمندان هست - بررسی شود، می‌توان گفت صلحی که در آن عدالت وجود نداشته باشد، همان چیزی است که اکنون در فلسفه سیاسی بسیاری از نظام‌های استکباری، از جمله رژیم صهیونیستی که بحث سازش با اعراب را مطرح می‌کند، مشاهده می‌شود.

این کارشناس ارشد امور خاورمیانه تاکید کرد: صلح به معنی پذیرش ظلم و ستم صهیونیست‌ها بر مسلمانان و ترک مخاصمه و یا به عبارت دیگر، تسلیم شدن، هم با مبانی حقوق بشر و مبانی که در سازمان ملل مطرح است و هم با مبانی اسلامی کاملا متفاوت است.

وی مقاومت را از مبانی مهم شکل‌گیری مثلث صلح، عدالت و توسعه خواند و توضیح داد: این بدان معناست که بدون مقاومت نمی‌توانیم از پذیرش ترک مخاصمه به عدالت برسیم و آن را پایه‌ای برای توسعه، تکامل بشریت و حفظ کرامت انسانی قرار بدهیم.

کنعانی مقدم در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله «دیپلماسی» و «میدان» به عنوان یکی از مباحث روز اشاره کرد و افزود: دیپلماسی ابزاری برای تولید قدرت نرم در چارچوب صلح مبتنی بر عدالت است.

وی ادامه داد: این یعنی دیپلماسی تنها برای گفتگوی بین دولت‌ها مطرح نمی‌شود تا طی آن خواسته‌های یک دولت بر دولتی دیگر تحمیل شود و به معنی پذیرش ظلم و ستم نیست، بلکه دیپلماسی ابزاری است برای این که بتوانیم از طریق آن صلح ایجاد کرده و عدالت را محقق کنیم.

وی با بیان این که نامه‌هایی که از طرف پیامبر اکرم (ص) به سران قدرت‌های آن زمان ارسال شد عمدتاً دعوت به صلح و آرامش و پذیرش حق و عدالت بود، تصریح کرد: در همین راستا، در صلحنامه‌ها، توافقنامه‌ها و پیمان نامه‌ها این مبانی قابل رصد است.

این کارشناس ارشد امور خاورمیانه در ادامه اظهار داشت: قطعاً ترکیب قدرت نرم و قدرت سخت - که ما اکنون قدرت سخت را به عنوان «مقاومت» در جهان اسلام تجربه کرده‌ایم و می‌توانیم بگوییم که

«مقاومت» اکنون یکی از مهمترین ابزارهای قدرت سخت محسوب می شود - می تواند راهبرد جامعی برای رسیدن به صلح و عدالت باشد.

وی با اشاره به فتح مکه، که قطعاً «فتح المبین» است، خاطرنشان کرد: مبنای اولیه فتح مکه، یعنی صلح حدیبیه به عنوان دیپلماسی مطرح شد، اما قدرت میدانی پیغمبر اکرم (ص) در مدینه توانست ترکیبی از دیپلماسی و میدان را همراه کرده و به فتح مکه منتهی شود.

وی با تأکید بر این که صلح جهانی هنگامی محقق خواهد شد که میان اقوام و ملل مختلف - بر اساس حقوق ملل و حقوق ادیان - یک ارتباط سیستماتیک، ارگانیک و منطقی ایجاد شود تا امکان یک صلح پایدار فراهم گردد، گفت: اگر قرار است به یک صلح جهانی برسیم، قطعاً بحث عدالت و کرامت انسانی مبنای پایداری و استمرار آن است.

کنعانی مقدم با بیان این که منشور 47 ماده ای مدینه، که توسط پیامبر (ص) نوشته و امضا شد کاملاً بر بحث تساوی حقوق اقوام و ادیان تأکید دارد، تصریح کرد: در ماده 45 این منشور، ما شاهد این هستیم که وقتی بحث ترک مخاصمه مطرح می شود، آن حضرت می فرمایند: اگر آنان (یعنی اهل مدینه) به ترک مخاصمه دعوت شدند باید با مفاد یک پیمان صلح متناسب موافقت نمایند، اما اگر آنان (یعنی کافران) مسلمانان مخلص را به ترک مخاصمه دعوت کردند، مسلمانان ملزم به رعایت آن هستند، مشروط بر آن که صلح شامل کسانی نباشد که با اسلام به عنوان یک دین سر جنگ دارند.

وی افزود: این درست شبیه همان نکته ای است که در «زیارت عاشورا» می خوانیم: انی سلم لمن سالمکم و حرباً لمن حاربکم الی یوم القیامه. بنابراین، محدوده صلح در اسلام کاملاً بر عدالت مبتنی است و اگر جنگ طلبان بخواهند علیه اسلام اقدام کنند، در این جا دیگر صلح معنایی ندارد.

وی با بیان این که ما اکنون شاهد آن هستیم که ایدئولوژی و تفکر مقاومت بر همین مبنا استوار است، خاطرنشان کرد: در آیه 61 سوره انفال آمده است: "وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْعَلْ لَهُمْ مَخْرَجًا يَرْجِعُوا بِهِ وَبِعَاقِبَةُ الْأُمَمِ" «اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح وارد شو و بر خدا تکیه کن که او شنونده و داناست.» در این جا هم شرایط برای صلح کاملاً مشخص می شود.

کنعانی مقدم افزود: اگر صلح را به سه بخش صلح ایجابی (یعنی برای رسیدن به عدالت)، صلح سلبی (یعنی

نبودن جنگ و ترک مخاصمه) و صلح رادیکالی (یعنی حذف سلطه یا حذف خشونت برای رسیدن به صلح) تقسیم کنیم، قاعدتا هم باید به مبانی حقوق بین‌الملل توجه کرد و هم باید به مبانی حقوقی که در اسلام وجود دارد، عنایت داشت،

وی ادامه داد: حق صلح یعنی حق زندگی کردن در آرامش و امنیت و به تعبیری یعنی حق داشتن حاکمیت بر خود که این یک مفهوم سلبی است. یعنی شما نمی‌توانید بگویید من صلح را پذیرفته‌ام و به دنبال صلح هستم، ولی حق حاکمیت بر خود را ندارم.

این اندیشمند مسلمان با بیان این که این همان تعبیری است که صهیونیست در رابطه با مسئله فلسطین مطرح می‌کنند، تصریح کرد: صهیونیست‌ها می‌گویند که فلسطینی‌ها سلاح خود را زمین بگذارند، نیروهای مقاومت سلاح خود را زمین بگذارند در ازای صلح، اما حق حاکمیت ندارند و باید تحت سلطه باشند. آنها مفهومی از صلح را برای خود ترسیم می‌کنند که کاملا بر ظلم مبتنی است..

وی افزود: اندیشمندی مانند دالتون تعریفی از صلح را ارائه می‌دهد که بر اساس آن، صلح به معنی اقداماتی مانند همکاری و همگرایی با هدف دستیابی به جهانی بهتر است. چنین تعریفی دارای یک مبنای آرمان‌گرایانه است و در منشور سازمان ملل هم بر همین اساس حقوق بین‌الملل را تعریف کرده‌اند.

این کارشناس ارشد امور خاورمیانه صلح ایجابی را توافق بر اوضاع و احوال دانست که قابلیت بشر را محدود کرده و گفتمان دولت‌ها را برای جلوگیری از بروز جنگ تعریف می‌کند نه برای رسیدن به عدالت.

وی توضیح داد: آنها می‌گویند که بر اساس توافقات، با همگرایی و همکاری جلوی جنگ را می‌گیریم، اما معلوم نیست که آیا عدالتی حاصل می‌شود یا خیر. یعنی معلوم نیست که وضعیتی به وجود بیاید که آن مثلث عدالت، صلح و توسعه را در برگیرد.

کنعانی مقدم در بخش دیگری از سخنان خود به بحث تقابل و تعامل و تعریف‌های مختلفی از آن اشاره کرد و افزود: وقتی جامعه یا اجتماعی شکل می‌گیرد، بر اساس تعریفی که دورکیم، آگوست کنت، کوپر یا دیگران دارند، نظم و امنیت ضرورت پیدا می‌کنند.

وی ادامه داد: این اندیشمندان می‌گویند که باید در یک جامعه نظم و امنیت وجود داشته باشد اما تفسیری که قدرت‌های سلطه‌گر دارند مانند این است که در یک گورستانی که در آن مرده‌ها ساکن هستند،

نظم و امنیت برقرار است اما اسلام این نوع نظم و امنیت را نمی‌پذیرد و تکامل، توسعه و حرکت را مبنای حیات بشری یا همان «حیات طیبه» می‌داند.

وی با بیان این که در یک «حیات طیبه» نمی‌توان پذیرش ظلم و ستم را به عنوان نظم و امنیت تلقی کرد، تصریح کرد: البته، عدالت در خدمت صلح، کارکرد مقدماتی عدالت است و صلح برای عدالت، نمایی از غایت عدالت و یک کار ویژه ابزاری برای صلح است.

کنعانی مقدم با اشاره به این که عدالت بدون صلح برقرار نمی‌شود، گفت: هر جا ما ترک مخاصمه یا سازشی بینیم، یا تحمیل قطعنامه‌های بین‌المللی را برای ترک مخاصمه یا صلح بینیم، اگر در یک سمت دیگر آن عدالت وجود نداشته باشد، قطعاً این صلح پایدار نخواهد بود و بلکه به معنی تحمیل اراده سلطه‌گران بر مظلومین است.

وی افزود: البته، بعضی‌ها حفظ وضع موجود را صلح می‌دانند، اما این امر اگر به عدالت منجر نشود، صلح نیست و این مشکلی است که در تصمیمات و قطعنامه‌های سازمان ملل وجود دارد.

وی توضیح داد: سازمان ملل با ایجاد آتش‌بس یا اعزام نیروهای حافظ صلح در مناطق مختلف ترک مخاصمه ایجاد می‌کند و اسم این کار را هم «صلح» می‌گذارند. اما این صلح نیست، بلکه تحمیل خواسته قدرت‌ها بر جوامع دیگر است.

این کارشناس ارشد امور خاورمیانه در ادامه توضیح داد: نظام مردمسالاری جهانی بدون عدالت جهانی و ایجاد یک موازنه نمی‌تواند، شکل بگیرد و اگر قرار باشد چنین نظامی بدون عدالت شکل بگیرد، همان موضوع «قدرت محوری» مسئله اصلی خواهد شد و «جنگ برای صلح» در دستور کار قرار می‌گیرد.

وی ادامه داد: این همان منطقی است که صهیونیست‌ها از آن استفاده می‌کنند تا بتوانند بر جهان اسلام تسلط یابند و اشغالگری، نسل‌کشی، آپارتاید و نژادپرستی را دنبال کنند.

وی با اشاره به این که اگر از صلح و سازش بین اعراب و اسرائیل سخن به میان می‌آید و اگر عادی سازی روابط کشورهای اسلامی را با رژیم صهیونیستی مطرح می‌کنند، موضوع از همین منظر قابل بحث است، تصریح کرد: آنها از صلح دم می‌زنند، در حالی که هیچ توجهی به عدالت صورت نمی‌گیرد. این یعنی پذیرش ظلم و ستم و بی‌عدالتی در ازای ترک مخاصمه.

وی تاکید کرد: این حرف صهیونیست‌ها هم از نظر شرع اسلام کاملاً رد شده و هم از نظر حقوق بین‌الملل قابل پیگیری نیست.

کنعانی مقدم در پایان سخنان خود گفت: کشورهای اسلامی باید به این نکته توجه کنند که اگر به دنبال امنیت، صلح و آرامش - به صورت پایدار و در مسیر توسعه - هستند، ابتدا خود کشورهای اسلامی باید در درون خود و بر مبنای عدالت به این نقطه برسند و بعد هم در جامعه جهانی بر همین مبنای استفاده از قدرت نرم دیپلماسی و قدرت سخت مقاومت به نقطه‌ای برسند که بتوانند در معادلات بین‌المللی و جهانی در جایگاهی که اسلام تعریف کرده قرار بگیرند و صلح و امنیت را برای بشریت و برای اسلام به ارمغان بیاورند.